

شمعی به یاد لشکر خوبان

۹

۱۵۴

کوله یشته

۱۴۰۲ ۰۵ ۰۴

ضمیمه راولپنڈی روزنامہ شہر راہ
روزہ گودگان و نوجوانان مشہد

شماره ۳۸۸ روزانه شہر راہ

شنبه

خادمان کوچک

۱

حال خوبم را
از برکت قرآن و
ائمه [ع] دارم

۱۲



خادمان کوچک

بعد از نام و یاد خدای بخشنده و مهربان، سلام به همه‌ی شما دوستداران مطالعه، کتاب و دانایی.
امیدواریم که خوب و سلامت باشید و در این روزهای ماه محرم، در کنار بزرگ‌ترهای عزیزتان، در مراسم سوگواری امام حسین [ع] و یاران باوفایش شرکت کنید.



طیبه ثابت

همیشه تاسوعا و عاشورا که از راه می‌رسد، شهر حال و هوای دیگری به خود می‌گیرد. همه‌ی مردم می‌خواهند هر طور که می‌توانند در مراسم عزاداری به سوگواران مجلس عزای امام حسین [ع] خدمت کنند. هر کسی را که می‌بینی، از اینکه چرا در روز عاشورا نبوده است تا به یاری کاروان کربلا برود، از صمیم دل خود اندوهگین و ناراحت هستنـد.

دوستداران اهل بیت [ع] در مساجد و حسینیه‌ها مجلس روضه‌خوانی و مدّاحی می‌گیرند. بعضی‌ها هم در گوشه‌گوشه‌ی شهر و روستا، جاده و خیابان، ایستگاه صلواتی برپا می‌کنند و به یاد شهدای کربلا شربت و غذای نذری می‌دهند.

دیشب وقتی همراه بابا به مراسم مسجد محله‌مان رفتیم، از دیدن دوستان هم‌کلاسی‌ام که داشتند از مردم پذیرایی می‌کردند تعجب کردم. می‌دانستم که خانه‌شان از مسجد محله‌ی ما پنج تا چهارراه فاصله داشت، اما آن‌ها به عشق امام حسین [ع] آمده بودند تا در بهتر برگزار شدن مراسم نقشی داشته باشند.

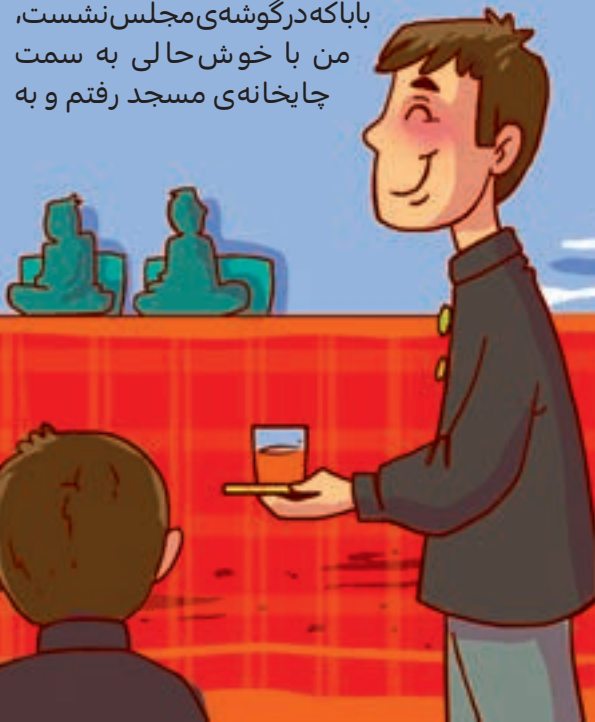
بابا که در گوشه‌ی مجلس نشست، من با خوش حالی به سمت چایخانه‌ی مسجد رفتم و به

فهرست

- خادمان کوچک ۱۱
- فهرمان ۲۱
- جاشمعی بازبافتی ۳۱
- روضه‌ی خانگی ما ۴۱
- یگان پشتیبانی ۶۱
- کتاب عاشورا ۷۱
- خورشید نینوا ۸۱
- شمعی به یاد لشکر خوبان ۹۱
- قالب کودکی ۱۰۱
- اثر فشار هوا بر نوشیدن آب با نی ۱۱۱
- از برکت قرآن و ائمه (ع) دارم ۱۲۱
- به یاد امام حسین (ع) ۱۴۱
- جدول انگلیسی ۱۶۱
- عروسک خواف ۱۷۱

- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
- سر دبیر: سید سجّاد طلوع هاشمی
- دبیر ضمیمه: دیرنگ حاتمی
- دبیر کوله پشتی: طیبه سادات ثابت
- گرافیک و صفحه‌آرایی: ملک جمعی

- پست الکترونیک: sabet@shahrara.com
- نشانی سایت: shahraranews.ir/fa/kids
- ایتای روزنامه: ۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱
- توزیع و امور مشترکین: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱
- داخلی ۵۱۹ و ۵۲۰



امشب آن قدر آمده که توی حیاط مسجد هم فرش پهن کرده‌اند. من هم می‌خواهم کمک کنم با اجازه!» عرفان گفت: «خیلی هم عالی!» دوست داشتم شب عاشورا و شام غریبان هم بروم و خادم کوچک مسجد باشم.

همه سلام کردم و خداقوت گفتم. از دیدنشان احساس افتخار می‌کردم که چه دوست‌های خوبی دارم! رضا و سجاد حسابی مشغول چای ریختن و شستن استکان‌ها بودند. جمعیت زیادی به مسجد آمده بود. جلو رفتم و سینی را از دست عرفان گرفتم و گفتم: «بچه‌ها، جمعیت



تصویرگر: زهره افطایی



قهرمان

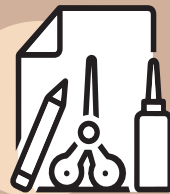
هیچ کس مثل تو نیست
واقعا روی زمین
کاش بودم مثل تو
قهرمان و بهترین

بارها با قصه‌ات
گریه کرده مادرم
بسته سربند حسین
بارها روی سرم

نوحه خوان‌ها خوانده‌اند
قصه‌ات را بارها
اینکه جنگیدی چه طور
توی دشت کربلا

آن زمان‌ها بوده‌ای
بهترین در این جهان
هم معلم بوده‌ای
هم شجاع و قهرمان





جاشمعی بازیافتی

چطور درست کنیم؟

دست نگه دارید! در بطری‌ها و در شیشه‌های مرثا را دور نیندازید. آن‌ها را جمع کنید. با آن‌ها می‌توانید برای مراسم شب‌های تاسوعا، عاشورا و شام غریبان، جاشمعی‌هایی زیبا بسازید و شمع روشن کنید. پس دست به کار شوید! ابتدا درهای بزرگ‌تر را روی هم بچسبانید و درها را رنگ مشکی بزنید. برای زیبایی بیشتر، چند در بطری کوچک‌تر را روی آن بچسبانید. در پایان در را از پشت به پایه‌ی جاشمعی بچسبانید تا بتوانید شمع‌ها را میان آن قرار دهید.

چی لازم داریم؟

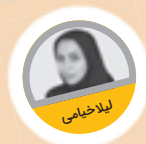
در بطری

در شیشه‌های مرثا یا ...

چسب حرارتی



روضه‌ی خانگی ما



لیلا خیامی

آن بالا بود. روی هرکدام یک شماره چسبانده بودند. انباری ما شماره‌ی ۳ بود. تلق تولوق جابه‌جا کردن سینی و سماور که بلند شد، خانم همسایه‌ی طبقه‌ی چهارم هم آمد روی پشت بام تا کمکمان کند. روی پشت بام شیر آب بود. همان‌جا وسایل را شستیم و تمیز کردیم. کار که تمام شد، همه‌چیز را بردیم پایین توی آپارتمان خودمان. بعدش مامان با خانم همسایه رفت خرید. رفت خرما و چای و قند و این‌جور چیزها بخرد. من هم تلفن را برداشتم و به دوستم، زهرا، زنگ زدم. زهرا آن‌قدر هیجان‌زده بود که مثل برق خودش را رساند. آن وقت، دوتایی مشغول مرتب کردن و جمع و جور کردن خانه شدیم. هرچیزی اضافی بود بردیم توی اتاق من تا فضای بیشتری باز شود. خب، روضه داشتیم! روضه‌های محترم همیشه شلوغ می‌شود. همیشه همه اهالی محله‌مان می‌آیند و جاکم است. اتاق که خالی و مرتب شد، مامان و خانم همسایه هم برگشتند. خرماها توی دیس چیده شد. آهسته‌آهسته همه‌چیز داشت جور می‌شد. پایه‌ی سماور بزرگ به لوله‌ی گاز وصل و پر از آب شد.

وقتی همه‌ی کارها تمام شد، نوبت من رسید. مادر مهربانانه به من لبخند زد و وقت خیاطی شد، وقت آنکه مامان به قولش عمل کند. همان‌جور که من و زهرا و خانم همسایه مشغول

محترم که می‌شود، هرکسی یک جوری برای امام حسین (ع) و کاروان شجاع و وفادار کربلا عزاداری می‌کند. خیلی از خانم‌ها توی خانه‌شان روضه می‌گیرند. ما هم روضه داشتیم.

تا مامان گفت وقتش رسیده است و وسایل را از انبار بیاوریم بیرون، فهمیدم ده روز روضه‌ی ما شروع شده است. با خودم شروع کردم به برنامه‌ریزی: «من سینی خرما را می‌چرخانم، زهرا هم قند بیاورد. توی اتاق می‌چرخیم و به همه تعارف می‌کنیم.» بعد هم انگار آسمان روی سرم خراب شده‌باشد، داد زدم: «وای، حالا چه کار کنم؟! روسری مشک‌ی ندارم! روسری قبلی‌ام گوشه‌اش به شاخه‌ی درخت خانه‌ی مامان بزرگ گیر کرد و سوراخ شد.» مامان لبخندی زد و گفت: «نگران نباش! تو کمک‌کن و وسایل را بیاوریم بیرون و برای شب مرتب کنیم، من هم قول می‌دهم با بقیه‌ی پارچه‌ی چادر مشک‌ی‌ام برای یک روسری قشنگ بدوزم.» لبخندی زد و بلند شدم تا پشت سر مامان بروم پشت بام. انباری ما بالای پشت بام بود. انباری‌های همه‌ی اهالی ساختمان



کارهای گردگیری بودیم، مامان هم مشغول دوختن روسری شد، البته نه یکی دوتا، یکی برای من، یکی هم برای زهرا. دور هر کدام هم یک نوار سبز قشنگ دوخت. عصر که شد، همه چیز برای شب اول محرم آماده بود. بابا رفت و پرچم بزرگ یاحسین [ع] را توی کوچه بالای درآپارتمان نصب کرد. خودش هم رفت مسجد. من و زهرا روسری های جدیدمان را سرمان کردیم. از صبح تا حالا همه چیز عوض شده بود. خانه یک جور دیگر بود. همه جا بوی محرم

گرفته بود. خانه شده بود مثل یک مسجد کوچک. حالا وقت چی بود؟ وقت اینکه برویم و به همسایه ها خبر بدهیم از امشب بیایند روضه. من و زهرا با روسری های جدید روی سرمان دویدیم توی کوچه. خیلی کار داشتیم. باید به همه خبر می دادیم. خب، محرم بود! روضه داشتیم. روضه های محرم همیشه شلوغ می شود. همیشه کلی کارداری!





برای دانلود
بازی یگان
پشتیبانی یک
همین حالا دک
زیر را اسکن
کنید!



اسکن کنید

یگان پشتیبانی



سینا عسجدی
کتابساز

این هفته قرار است به سراغ یک بازی ایرانی برویم که درباره‌ی جنگ تحمیلی صدام، فرمانده ارتش بعث عراق، به ایران است. سری بازی‌های «یگان پشتیبانی» که از سوی استودیوی «پیش‌گامان عصر نرم» ساخته شده، درباره‌ی مأموریت‌های سید رسول محمّدی در جنگ تحمیلی ایران و عراق است. از بازی یگان پشتیبانی، سه نسخه ارائه شده است و مطلب این هفته‌ی ما در مورد یگان پشتیبانی یک است.

در این بازی، وظیفه‌ی کنترل شخصیت اصلی بازی یعنی سید رسول محمّدی را به عهده دارید و باید مأموریت‌هایی از قبیل رساندن تسلیحات به جبهه، بردن زخمی‌ها به بیمارستان و ... را به پایان برسانید.

با به انجام رساندن هر مأموریت، بسته به درجه‌ی سختی‌ای که انتخاب می‌کنید، پاداش می‌گیرید. با این پاداش‌ها، باید وسایل نقلیه‌ی مورد نیاز برای مأموریت بعدی را بخرید تا بتوانید مأموریت بعد را هم انجام دهید.

از مزیت‌های این بازی گرافیک جذاب و تم بسیجی آن است که حال و هوایی به بازی می‌بخشد که تاکنون در هیچ بازی مشابهی دیده نشده است. هم‌چنین، این بازی به افزایش اطلاعات جنگی شما کمک می‌کند و چگونگی دفاع مقدس را به تصویر می‌کشد.

البته این بازی ضعف‌هایی هم دارد که در نسخه‌های بعدی برطرف شده است.





هانیه وهابی

کتاب عاشورا

این کتاب داستانی تصویری است که واقعه‌ی عاشورا را برای کودکان روایت می‌کند. کودکان و نوجوانان می‌توانند با استفاده از این کتاب و تصاویر با کیفیت و جذاب آن، واقعه مهم عاشورا را بهتر درک کنند. این کتاب به والدین کمک می‌کند بتوانند واقعه‌ی عاشورا را برای فرزندان خود بهتر بازگو کنند و آن‌ها را به قلب تاریخ اسلام ببرند.

واقعه‌ی کربلا جنگی بود که در تاریخ ۱۰ محرم سال ۶۱ هجری قمری [۱۳ اکتبر ۶۸۰ میلادی] اتفاق افتاد. روز نبرد به روز عاشورا معروف شده است. این جنگ میان سپاه کم‌تعداد حسین بن علی [ع]، نوه‌ی پیامبر اسلام [ص]، و سپاه اعزامی از سوی یزید، خلیفه‌ی اموی، در محلی به نام کربلا رخ داد. دلیل یزید بن معاویه برای جنگ بیعت نکردن حسین بن علی [ع] با او بود. در مقابل، حسین بن علی [ع] حکومت و زمامداری یزید بن معاویه را غیر شرعی و غیر قانونی می‌دانست، حکومتی که برخلاف پیمان صلح امام حسن مجتبی [ع] و معاویه بن ابی سفیان بود و به شکلی مورثی به یزید رسیده بود. امام حسین [ع] حکومت اموی را ظالم و گمراه می‌دانست و برای تغییر جهت جامعه‌ی اسلامی به سوی مسیری دیگر قیام کرد.

این کتاب به شکل کمیک منتشر شده است و این جنگ تاریخی را روایت می‌کند.

کمیک‌ها بر پایه‌ی تصاویر نوشته می‌شوند و متن کمی دارند. تصاویر خودشان داستان را پیش می‌برند. در ایران، کمیک‌های متفاوتی متناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی منتشر شده است و این کتاب یکی از این آثار است. کتاب عاشورا با سبکی نوین و تازه، کودکان را به قلب تاریخ اسلام می‌برد و به آن‌ها کمک می‌کند درک بهتری از وقایع آن زمان داشته باشند.



نویسنده: محمد سعید بهمن‌پور

انتشارات: انتشارات آثار سبز، ۱۳۹۵



کتابخانه

خورشید نینوا

انیمشین «خورشید نینوا» به شرح واقعه‌ی عاشورا از زمان مرگ معاویه و به حکومت رسیدن یزید تا عصر عاشورا و شهادت امام حسین [ع] و یارانش می‌پردازد.

داستان این انیمیشن با مرگ معاویه شروع می‌شود. پسرش، یزید، بعد از جانشینی او تلاش می‌کند به اجبار از امام حسین [ع] بیعت بگیرد. امام حسین [ع] که می‌داند یزید مرد بد و ستمکاری است، با او بیعت نمی‌کند و برای حفظ حرمت خانه‌ی خدا و به دنبال دعوت کوفیان از ایشان، از مکه به سوی کوفه حرکت می‌کند. در راه کوفه خبر شهادت مسلم بن عقیل، پسر عمو و فرستاده‌ی امام [ع]، به ایشان می‌رسد. سپاه یزید به فرماندهی «حر» راه را بر امام می‌بندد و ایشان راهی دیگر برمی‌گزیند. آن‌ها در روز دوم محرم الحرام سال ۶۱ هجری، وارد صحرای کربلا می‌شوند. لشکر عمر سعد سد راه امام می‌شود و آب را بر ایشان می‌بندد. سپاه امام [ع] با ایمان راسخ و با شجاعت، با سپاه عمر سعد مبارزه می‌کند و در نهایت، واقعه‌ی کربلا رخ می‌دهد و امام و یارانشان به شهادت می‌رسند.

ما با تماشای این انیمشین متوجه اتفاقات و رفتار شخصیت‌های مختلف در زمان امام حسین [ع] می‌شویم و آگاهی خود را درباره واقعه‌ی کربلا افزایش دهیم.



نام انیمشین:

خورشید نینوا

سال انتشار:

۱۳۹۲

کارگردان:

علیرضا فرمانی

کشور سازنده:

ایران

شرکت سازنده:

صبا

ژانر:

ماجراجویی، جنگی

زمان:

۱۰۵ دقیقه

خورشید نینوا



شمعی به یاد لشکر خوبان



این روز و شب‌ها شنیدن صدای سوزناک نوحه که در هوا موج می‌زند و به گوش جان ما می‌نشیند، پرنده‌ی خیال را به ۱۳۸۴ سال پیش، یعنی عاشورای ۶۱ هجری، و دشت نینوا می‌برد.

هر غروب از شب‌های ماه محرم، دیدن شمع‌هایی که کنار طاق آجری مسجد روشن می‌شوند در دل عزاداران آتشی روشن می‌کند که همه‌ی تاریکی‌های تاریخ را کنار می‌زند. انگار همه‌ی دلاوران، نغریه‌نفر عاشقان و سپاه خوبان حسین^[ع] را می‌توانی ببینی که برای مبارزه با لشکر بدی و سیاهی یزید، به میدان می‌روند و برای زنده ماندن دین اسلام،

شجاعانه چون شیر می‌جنگند و با افتخار به شهادت می‌رسند. شمع‌های «شام غریبان» سوسو می‌زنند و آن قدر به آسمان نور می‌تابانند که

فرشته‌ها هم برای مراسم عزای امام حسین^[ع]، خود را به زمین می‌رسانند. انگار در شهادت امام حسین^[ع] زمین و زمان گریه می‌کنند و به تنهایی زینب و بازماندگان عاشورا فکر می‌کنند. همه به یاد اسرای کربلا در تاریکی‌های شب تنها می‌نشینند و به یاد اهل بیت پیغمبر اشک می‌ریزند.

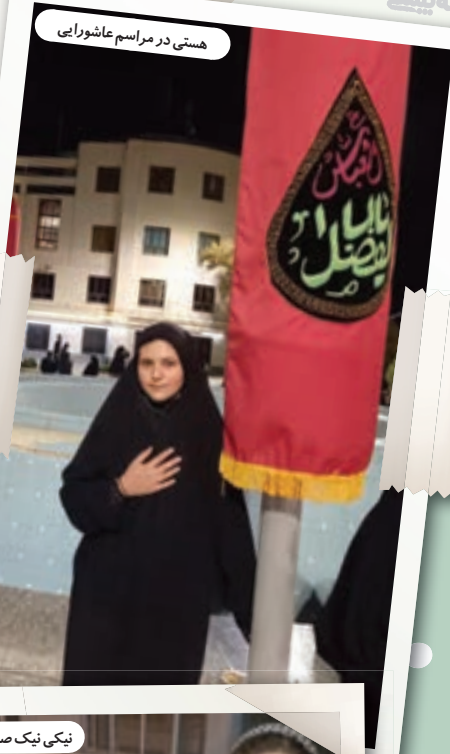
به این دلیل به غروب روز عاشورا شام غریبان می‌گویند که یکی از معانی واژه‌ی «غریب» دور افتاده از وطن است و گاهی برای کسی نیز که بی‌یار و یاور مانده است از آن استفاده می‌کنند. «شام غریبان» نیز به معنای شب مردم غریب و دور افتاده از یار و دیار آمده است. سپاه دشمن غروب عاشورا که همه سپاه امام حسین^[ع] را به شهادت رسانده بودند، بی‌رحمانه امام سجاد^[ع]، حضرت زینب^[س] و سایر زنان و کودکان را از خیمه‌ها بیرون و به اسارت بردند و خیمه‌ها را آتش زدند.



قاب کودکی

شما هم می‌توانید
عکس‌های کودکان خود را
برای ما به شماره‌ی ای‌تی
۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰ بفرستید.

هستی در مراسم عاشورایی



نیکی نیک صفتی سر دیگ نذری



حنانه زاده سلیم ۸ ساله



امیر ارسلان و ارغوان حیدری در تابستان گردی



سام زرگری ۷ ساله



اثر فشار هوا بر نوشیدن آب بانی



مردم‌پور حقیقی

حالا بطری را از آب پر کنید. نی را داخل بطری بگذارید و با خمیر بازی، اطراف دهانه‌ی بطری را کاملا بپوشانید به طوری که هیچ راه عبور هوایی وجود نداشته باشد [این نکته بسیار مهم و بر نتیجه‌ی آزمایش مؤثر است]. حالا سعی کنید آب را بنوشید.

آیا شما به راحتی قادر به نوشیدن آب هستید؟ خیر، زیرا دیگر فشار هوایی در بطری وجود ندارد که باعث هل دادن آب به طرف بالا شود. در واقع، با خمیر بازی مانع عبور هوا داخل بطری شده‌اید.

بیشتر بدانیم! فیل هوای داخل خرطوم خود را می‌مکد، آنگاه آب وارد خرطوم می‌شود. بعد از اینکه آب وارد خرطوم فیل شد، مستقیماً به دهان او می‌رود.

پژوهشگران کوچک، به نظر شما فشار هوا بر نوشیدن آب بانی چه نقشی دارد؟ با یک آزمایش ساده، به یک نتیجه‌ی مهم خواهیم رسید. دست به کار شوید.

یک بطری را تا نیمه آب کنید و نی را داخل آن قرار دهید شروع به مکیدن آب کنید.

شما به راحتی قادر به انجام این عمل هستید.

چرا؟ زیرا هنگام مکیدن آب، هوای داخل نی کاسته می‌شود و فشار کم می‌شود. در نتیجه، فشار هوای محیط بر مایع غلبه می‌کند و مایع را به سمت بالا هل می‌دهد.

چی لازم داریم؟

بطری کوچک آب

نی

خمیر بازی



گفتگو با
یک کودک فعال فرهنگی
و دوستدار اهل بیت [ع]



حال خوبم را از برکت قرآن و ائمه [ع] دارم

«در روزهای محرم و صفر، اقامه‌ی عزای سیدالشهدا [ع] در حسینیه حرم رضوی و صحن قدس حال و هوایی وصف‌نشدنی دارد. دوستی با ائمه و کمک‌خواستن از ایشان در همه‌ی مسائل زندگی راه‌گشاست و به دوستانم دوستی با ائمه [ع] و پناه بردن به ایشان را توصیه می‌کنم.» آنچه خواندید دیدگاه سید امیرعلی میرهادی است، نه‌ساله و دانش‌آموز پایه‌ی سوم دبستان شماره‌پسرانه‌ی امام حسین [ع]. او از چهار سالگی، با حفظ شعر در مهد قرآنی و هم‌چنین پیش‌دبستانی امام حسین شروع به آموزش قرآن کرده و نخستین بار در هفت سالگی در صحن آزادی برای برنامه‌ی رادیویارت در سالروز شهادت امام رضا [ع] اجرای دکلمه داشته و پس از آن برای اجرای برنامه در شام شهادت امام رضا [ع] نیز دعوت شده است. اکنون پس از گذراندن دوره‌های تخصصی این رشته، از دکلمه‌خوانان حرم رضوی است. با سید امیرعلی که انتخاب این راه را به دلیل محیط مذهبی خانواده و علاقه به شعرخوانی و مذاحی برای اهل بیت [ع] می‌داند گفت‌وگو کرده‌ایم.

از دکلمه‌خوانی تا حفظ قرآن

دکلمه‌خوانی یعنی بیان شعرهایی در وصف و مدح و مرثیه برای اهل بیت [ع]. گاهی مضمون این ابیات شامل آیات قرآنی و احادیث است که زمینه را برای حفظ موضوعی آیات و احادیث نیز پدید می‌آورد. با تشویق مربی پرورشی مدرسه‌مان، هم‌زمان با دکلمه‌خوانی، جزء ۳۰ و بخش‌هایی از جزء یک و آیات مرتبط با بعضی اجراها را حفظ کرده‌ام. اکنون هم با شرکت در کلاس‌های حفظ قرآن در دارالقرآن خاتم‌الانبیاء برای پیشرفت در روخوانی و تجوید و حفظ کل قرآن تلاش می‌کنم و در هر جلسه‌ی کلاس، یک صفحه را حفظ می‌کنم. علاوه بر حفظ، معنی آیات را نیز آموخته‌ام. روزی یک ساعت به حفظ شعر و مطالعه‌ی کتب اشعار آیینی می‌پردازم که در دکلمه‌خوانی برایم مفید بوده است. شعرها را پدر و مادرم یا گروه دکلمه‌خوانان حرم برایم انتخاب می‌کنند. با توجه به نوع مناسبت، همه‌ی تلاشم از شعرخوانی توجّه دادن مخاطب به اهل بیت و زنده نگه‌داشتن ایشان در قلب مردم است.



حال خوب من و انس با ائمه [ع]

انس با قرآن و یادگیری اشعاری در وصف اهل بیت [ع] باعث افزایش یادگیری و آسان شدن درس خواندن برای من و افزایش حافظه ام شده است. یک ساعت دکلمه و دو ساعت حفظ قرآن جزو برنامه روزانه ام است.

علاقه‌ی بسیاری به هیئت‌های مذهبی و شرکت در فعالیت‌های آن‌ها دارم و در مراسم هیئت بیت الحسین [ع] شرکت می‌کنم. گاهی نیز توفیق شعرخوانی در مجالس این هیئت و مسجد محله‌ی خودمان [مسجد سبحان] را داشته‌ام.

حال خوب، تندرستی، احساس امنیت و آرامش و اعتماد به نفسی را که به‌ویژه هنگام دکلمه خوانی دارم از توفیقات مأنوس شدن با قرآن و ائمه‌ی اطهار [ع] می‌دانم.

پیروز میدان

از کلاس اول در مسابقات حفظ قرآن در ناحیه و مدارس امام حسین [ع] شرکت کرده و هر سال موفق به کسب مقام برتر شده‌ام. امسال مقام اول رشته‌ی مداحی ناحیه‌ی ۶ را هم به دست آورده‌ام. هم‌چنین تاکنون چند هزار بیت شعر در مدح و وصف حضرات معصومین [ع] حفظ کرده‌ام. مدتی شاهنامه خوانی و تنقالی هم انجام داده‌ام و دو سال در جشنواره جابر برگزیده شده‌ام. به فوتبالی علاقه‌مندم و تابستان‌ها در دوره‌های این رشته ورزشی شرکت می‌کنم. گواهی دوره‌های مبتدی و تکمیلی خوش‌نویسی با مداد را به دست آورده‌ام و در کلاس‌های خوش‌نویسی با خودکار شرکت می‌کنم.

در زمینه‌ی درسی هم جزو برترین‌های مدرسه هستم و درس خواندن و در کنار آن حافظ قرآن شدن، ادامه‌ی دکلمه خوانی و ورود حرفه‌ای به زمینه‌ی مداحی هدف اولم است و دوست دارم در آینده نویسنده‌ی کتاب داستان برای نوجوانان بشوم زیرا به نویسندگی خیلی علاقه دارم.

مشوقم ابتدا خانواده و پدر و مادرم و لطف ائمه [ع] به‌ویژه امام رضا جان است، سپس همراهی و یاری آقای قاسمی، مسئول گروه دکلمه خوانان حرم، و استادانم آقایان اطاعتی، یعقوبی آل، قربان‌پور و قاسم‌پور که همواره قدردان ایشان هستم.

عشق به امام حسین [ع]

با توجه به سن کم، مخاطب‌هایم از اینکه این همه شعر را از حفظ اجرا می‌کنم به وجد می‌آیند. خوش‌حال می‌شوند و در زمان اجرا و پایان آن مرا مورد لطف خود قرار می‌دهند.

محرم سال پیش در هیئت رضوان مدرسه‌ی مداحی رضوان و در بیت الحسین [ع] فعالیت داشتم. هم برایشان شعرخوانی می‌کردم و هم به عوامل اجرای مراسم کمک می‌کردم.

درباره‌ی امام حسین [ع] کتاب‌های زیادی مطالعه کرده و با شرکت در مراسم و استفاده از منبرها اطلاعاتی را به دست آورده‌ام. هر سال در این دو ماه برنامه‌هایی را در جاهای مختلف حرم و هم‌چنین حسینیه حرم اجرا کرده‌ام و از این بابت بسیار شاکرم.



مریم غفاریپور
پانزده‌ساله

امام حسین [ع] به خاطر زنده ماندن مکتب اسلام و جلوگیری از انحراف و فساد در دین همراه با یاران باوفایش علیه حکومت فاسد یزید در سال ۶۱ هجری قمری قیام کردند. ما به احترام امام حسین [ع] و ۷۲ یار باوفایش در اولین شب بعد از روز عاشورا مراسم شام غریبان برگزار می‌کنیم. می‌دانید چرا؟

به یاد امام حسین [ع]

۱

چرا به شب یازدهم محرم شام غریبان می‌گویند؟

«شام» در عربی به معنای شب است. غریبان هم حضرت زینب [س]

و کودکانی هستند که اسیر دشمنان شدند

و پیاده در بیابان راه رفتند.



۲

شام غریبان چه شبی است؟

شام غریبان شب دل‌گیری است که امام حسین [ع] و همه‌ی مردان

قدرتمند کربلا شهید شده بودند. دشمنان خیمه‌ها را آتش زدند و

حضرت زینب [س] به همراه کودکان و زنان دیگر که اسیر دست سپاه

یزید شده بود، در بیابان‌ها به سمت شهر کوفه راه رفتند.



۳

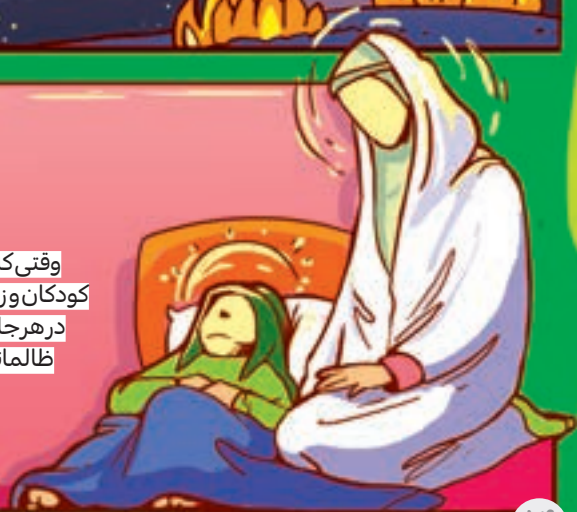
حضرت زینب [س] چه نقشی در عاشورا داشت؟

وقتی که همه‌ی مردان شهید شده بودند حضرت زینب [س] از

کودکان و زنان دفاع می‌کرد و مراقب آن‌ها بود. حضرت زینب [س]

در هر جا شجاعانه با سخنرانی‌های خود پرده از کارهای زشت و

ظالمانه یزید برمی‌داشت تا حماسه کربلا در یادها زنده بماند.



۴

ما در شب شام غریبان چه باید بکنیم؟

در این شب، ما می‌توانیم به یاد کودکان عاشورا اشک بریزیم، برای آن‌ها شمع روشن کنیم و به تماشای نمایش‌هایی برویم که از شام غریبان اجرا می‌شود.



۵

چرا در شام غریبان شمع روشن می‌کنند؟

حضرت زینب (س) در تاریکی شب، بدون ترس از خارهای بزرگی که در میان بودند، به دنبال دو کودک گمشده می‌گشت. روشن کردن شمع برای همدردی با غریبان این شب است.



۶

چرا ما به یاد شهدای کربلا و بازماندگان و غریبان این شب گریه می‌کنیم؟

ما با خواندن داستان دلسوزی‌ها و شجاعت‌های حضرت زینب (س)، یاد می‌گیریم نباید در برابر دشمنان سکوت کرد حتی اگر در شرایط سختی باشیم.



تصویرگز: زهره افطاعی

باز اینجاست که در خلق عالم

جدول انگلیسی:

روز عاشورا

روز عاشورا بود. امام حسین [ع] قبل از جنگ به کسانی که با ایشان بودند گفتند: «اگر کسی از شما نمی‌خواهد به جنگ بیاید، می‌تواند برگردد.» بعد روی خود را برگرداند تا اگر کسی می‌خواست برود، خجالت نکشد. بعضی‌ها رفتند اما بعضی‌ها با امام [ع] ماندند. آن‌ها ۷۲ نفر بودند که در روز عاشورا در کنار امام جنگیدند و به شهادت رسیدند. آن‌ها مردان شجاع و با ایمانی بودند. نام آن‌ها برای همیشه در تاریخ باقی مانده است. کلمه‌های مشخص شده را در جدول پیدا کن. راهنمایی: همه‌ی کلمه‌ها عمودی هستند.

B	M	D	I	T	R	P
E	U	I	S	S	C	E
F	S	F	H	T	A	R
O	A	E	B	A	M	S
R	I	L	U	Y	E	O
E	D	W	T	E	N	N
O	S	A	S	D	E	O
W	E	R	S	T	C	P
Z	B	T	D	N	F	R

پاسخ‌ها
قبل از
گفتند
اگر
جنگ
but
ماندند
نفر
مردان
men



باز این نوچه‌ها چه پاتما

عروسک خواب

اشترخجویکی از مقام‌های موسیقی محلی شهرستان خواب و به معنای «زنگ شتر» یا «آهنگ شتر» است.

اشترخجو حکایت خاص خودش را دارد. حکایت پیرمرد ساربان است که برای شترهای خود دوتار می‌زد و آهنگ می‌نواخت. او با نوای دوتارش با شترها صحبت می‌کرد. پیرمرد یک شتر پیر داشت که از دیگر شترها قدیمی‌تر بود و با نواهای پیرمرد آشنا. یک‌روز راه‌زنان پیرمرد و شتر پیرش را اسیر می‌کنند و آن‌ها را به ناکجا آباد می‌برند. راه‌زنان در راه از پیرمرد می‌خواهند برای آن‌ها دوتار بنوازند. پیرمرد نیز در گوش شتر آهنگ برگشت را می‌نوازد و زمزمه می‌کند: اوهو پیرو، اوهو پیرو / راها دور و آوا شورو.

شتر پیر که با این آهنگ و این زمزمه آشنا بود، متوجه شد که باید پا به فرار بگذارد. این‌طور می‌شود که پیرمرد و شترانش از راه‌زنان نجات پیدا می‌کنند.

این روزها در خواب، عروسک اشترخجو را می‌سازند، عروسک پیرمردی که با دوتار و لباس محلی، روی شتری سوار شده است.





تصویرگر:
زهرا افشاری